

قیام ۳۰ تیر، تجلی همبستگی ملی

۲۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱:۴۰

ملت ایران که در آن برهه رایحه آزادی، جانشان را نواخته بود، حاضر به تمکین و بازگشت به وضعیت پیشین نبود. کسانی که با خرید اوراق قرضه از مال خود گذشته بودند، این بار برای تثبیت و حفظ دستاوردهای نهضت، جان بر سر قیام گرو نهادند و با خون خود مهر تأییدی بر سند آزادی ملت شریف ایران زدند.

انقلاب صنعتی اروپا، آسیا را به منزله تأمین کننده مواد خام و اولیه کارخانه های تولیدی غرب، همچنین بازار مصرف کالاهای ساختگی آنان درآورد.

کشف نفت در غرب آسیا باعث تشدید فعالیت های استعماری اروپاییان به منظور تأمین سوخت کارخانه های خود شد. حاصل این تلاشها در ایران عقد قراردادی موسوم به «داری» در زمانه مظفردالدین شاه بود که به موجب آن دولت ایران در ازای مبلغ اندکی، امتیاز بهره برداری از منابع نفتی جنوب را به مدت شصت سال در اختیار شرکت انگلیسی قرار می داد، هر چند این شرکت در مدت کوتاهی عدم پایبندی خود نسبت به اجرای قرارداد را نمایان کرد. جنبش مشروطیت، حق حاکمیت ملی را ارمغان آورد و بیداری ایرانیان را موجب آمد. به دنبال گسترش نارضایتی و انزجار عمومی از دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران، مجالس و دولت های پس از مشروطه، برای بازنگری و اصلاح قرارداد داری، پیشنهادهایی ارائه دادند ولی به دلایلی، چون بحران های داخلی و وقوع جنگ جهانی اول، نتیجه ای حاصل نشد.

در سال ۱۳۱۲/ش/۱۹۳۳م، اسناد این قرارداد به علت آنچه رضا شاه آن را قراردادی استعماری می خواند، سوزانده شد. این اقدام فشارهای دولت انگلیس در سطح جهانی به دولت ایران و تحمیل مجدد قرارداد آن هم با شرایطی بدتر را همراه داشت. با وقوع جنگ جهانی دوم، دولت های متفق که از دستیابی آلمان ها به چاه های نفت ایران و حوزه های نفتی اطراف بیم داشتند، ایران را اشغال نمودند و شاه را ناگزیر به استعفا و کناره گیری از قدرت و ترک کشور کردند. سقوط دیکتاتور، تشکیل احزاب و دسته ها و مجالسی را که کمتر جنبه تشریفاتی داشتند، ارمغان آورد.

در پایان دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، لایحه الحاقی نفت به قرارداد ۱۹۳۳ ایران و انگلیس معروف به قرارداد «گس-گلشائیان» توسط «ساعت» نخست وزیر وقت به منظور تصویب به مجلس برده شد، ولی بر اثر فعالیت اقلیت در مجلس این لایحه به تصویب نرسید. تصویب نشدن لایحه باعث به وجود آمدن بحث های جانبی و کشانده شدن موضوع در سطح جامعه و آگاهی افکار عمومی از ماهیت استعماری قراردادهای پیشین افزون بر مسائل پیش گفته گردید.

«جبهه ملی» که به تازگی تشکیل یافته بود، اغلب کرسی های نمایندگی مجلس شانزدهم در تهران را به دست آورد. این نمایندگان به همراه تنی چند از دیگر همکاران، اقلیتی به وجود آوردند که توسط وکیل اول مردم تهران و رئیس کمیسیون نفت

یعنی دکتر مصدق، رهبری می شد. اقلیت مجلس سازماندهی مخالفت‌های بعدی را عهده دار شد، اقلیتی که از سوی روحانیت آگاه به ویژه آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی حمایت می شد.

نزدیکی و وحدت نیروهای مذهبی و ملی که دغدغه استقلال، حفظ حاکمیت ملی و قطع ید بیگانگان از امور داخلی کشور را داشتند، باعث به صحنه آوردن انبوه مردم و سقوط دولتهایی شد که در برابر اراده ملت ایستادگی می کردند. آن هنگام کسی جرئت رویارویی با خواست مردم را نداشت. مجلس تسلیم اراده مردم شد و نفت را ملی اعلام کرد و در برابر مردم عقب نشینی کرد و دولت ملی دکتر مصدق بر سر کار آمد. اتحاد رهبران نهضت، بسیج و حمایت مردمی را در پی داشت. در سایه این حمایتها، اصلاحات گسترده ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، انجام گرفت.

شورای امنیت سازمان ملل متحد مبدل به عرصه ای برای تحمیل خواست ملت ایران بر استعمار پیر شد. در کشوری که عزل و نصب وزیران، حکام ولایات، حتی نخست وزیران با نظر اجانب صورت می گرفت و شاه برای سفر به شمال و جنوب قلمروش بایستی نظر مساعد آنان را جلب می کرد، کنسولگری انگلیس و شعب شورای فرهنگی بریتانیا به علت تبدیل شدن به مراکز توطئه های ضد ملی منحل شدند. آنگاه که مصدق در اعتراض به توطئه های داخلی و کارشکنیهای دربار پهلوی با نقش آفرینی بیگانگان، بر ضد دولت ملی و اعمال محدودیتهایی که دست وی را در اعاده نظم و امنیت بسته بود استعفا کرد، مردم با بسیج شگفت انگیز آیت الله کاشانی بار دیگر برای عقب راندن عوامل ارتجاع و دفاع از دستاوردهای جنبش به صحنه آمدند و همبستگی خود را با رهبران نهضت اعلام کردند.

در این میان، دشمن به فراست دریافته بود تا وحدت موجود برقرار باشد کاری از او ساخته نیست از این رو قوام که روز پس از کناره گیری مصدق بر سر کار آمده بود در اعلامیه ای قول جداسازی سیاست از دیانت را به مردم داد تا به زعم خود، بحران نفت را حل کند و امنیت را برقرار سازد و تهدید کرد در این راه ملاحظه احدی را در هر مقام و موقعیت نکند و مخالفان را به کیفر اعمالشان رساند و روی صدها تبهکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون، قرین تیره روزی سازد. ۱ قوام که سیاستمدار کارکشته ای بود با طرح جدایی سیاست از دیانت به اختلاف افکنی میان عناصر ملی و مذهبی پرداخت. ائتلاف، اتحاد و اتفاقی که باعث وارد آوردن سهمگین ترین ضربات بر پیکره استبداد و استعمار شده بود، می رفت تا ترک بردارد. ملت ایران که در آن برهه رایحه آزادی، جانشان را نواخته بود، حاضر به تمکین و بازگشت به وضعیت پیشین نبود. کسانی که با خرید اوراق قرضه از مال خود گذشته بودند، این بار برای تثبیت و حفظ دستاوردهای نهضت، جان بر سر قیام گرو نهادند و با خون خود مهر تأییدی بر سند آزادی ملت شریف ایران زدند.

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ زوال دولت مستعجلی را همراه داشت که مدت زمان کمی از تشکیل آن می گذشت. دولت مردمی با اختیارات ویژه، کلیه روابط خود را با قدرتی که تا پیش از آن در تمام شئون ملک و ملت دخالت می کرد، قطع نمود. با وجود تمامی مشکلات، سیاست موازنه منفی با حمایت عمومی دنبال می شد. رخدادهای بعدی بسی تأسف آور و پندآموز است.

تجربه قیام ۳۰ تیر که تجلی همبستگی ملی و پیروزی اندیشه مردمسالاری بر استبداد و استعمار بود، دشمنان داخلی را به شکست اتحاد میان سران مذهبی و ملی نهضت واداشت. خودمحموری و ناچیز شمردن سهم دیگران در به ثمر رساندن نهضت و هواهای نفسانی نیروهای انقلابی بر ترغیب مخالفان در شعله ور کردن آتش فتنه و اختلاف افزود. شیاطین و بدخواهان که سران نهضت را احاطه کرده بودند، با استفاده از کاستیها و ضعفها، باعث تعمیق شکافهای موجود شدند. دوستیها به کینه مبدل شد و وحدت جای خود را به تفرقه داد. از انشقاق و جدایی نیروهای ملی و مذهبی آتشی به پا خاست که صدها جوان انقلابی را به کام

خود فرو برد. روباه فراری که از آشیان خود برون خزیده بود، فرصتی یافت تا تیری سهمگین بر نهضت دینی و ملی زند و بعدها آخرین خواسته رئیس دولت ملی را که همانا خاکسپاری در گلزار شهدای سی تیر بود نیز اجابت نکرد. ۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۶۲۹/قیام-۳۰-تیر-همبستگی-تخلیه-تیر-۳۰-قیام/۲۰۶۲۹>